

به نام خدا

مروری بر سن رأی‌دهندگان

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	تمایز بلوغ و رشد
۴	مبانی فقهی رشد
۵	مفهوم و شاخص سن رشد
۷	اظهارنظر کارشناسی

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۸۴۳۰

تیر ماه ۱۳۸۶

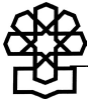
دفتر: مطالعات فرهنگی



مروری بر سن رأی‌دهندگان

مقدمه

انتخابات یکی از مؤلفه‌های مردم‌سالاری است که با رعایت شاخص‌های پذیرفته شده آن در چارچوب ضوابط قانونی جلوه‌ای از اراده افراد را در سرنوشت خویش تحقق می‌بخشد. این فرایند که آمیزه‌ای از حق و تکلیف را در برمی‌گیرد با متغیرهایی چون رشد و آگاهی سیاسی و اجتماعی هم‌پیوندی معنا‌داری را نشان می‌دهد؛ خاصه در شرایط امروزی که انتقال گیگابایتی داده‌های اطلاعاتی اعم از متن، صدا و تصویر تبلیغاتی در کسری از ثانیه دموکراسی انتخاب را به چالش فراخوانده است؛ چه آنکه سرعت و حجم بالای تبلیغات کاندیداها امکان انتخاب کاندیدای اصلح را به حداقل می‌رساند. از آنجایی که استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی نوین نظیر دیسکت‌های فشرده، بنرها و سایر شیوه‌های تبلیغاتی در فضای حقیقی و مجازی از یک‌سو جزو مصادیق حقوق بشر تلقی می‌شود است و از سوی دیگر با اهداف مردم‌سالاری و مشارکت آگاهانه در تعارض می‌نماید، تمامی نظام‌های انتخاباتی برای حل چنین تعارضاتی تدابیر تقریباً یکسانی اندیشیده‌اند، که از آن جمله می‌توان به تعیین حداقل سن مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات اشاره کرد. سنی که معمولاً نقطه عزیمت استقلال‌طلبی، هویت‌یابی و مشارکت مبتنی بر حداقلی از رشد اجتماعی است. هر چند قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۸۵ همچون سایر نظام‌های انتخاباتی، سن ۱۸ سال را به عنوان شرط لازم رأی‌دهنده مصوب نمود، اما اخیراً لایحه‌ای از طرف دولت به مجلس



شورای اسلامی تسلیم گردیده است که در صورت مصوب شدن آن سن رأی‌دهنده به وضعیت پیشین یعنی ۱۵ سال برگشت خواهد کرد. این گزارش به‌منظور بررسی کارشناسانه این لایحه تنظیم شده است.

تمایز بلوغ و رشد

بلوغ در لغت به معنی رسیدن به پایان مقصد است اعم از آن‌که مکان باشد یا زمان یا امری معین.^۱ مفهوم بلوغ سنی زمانی آغاز می‌گردد که دوران کودکی پایان پذیرد و دگرگونی جسمی در وی پدیدار شود به‌گونه‌ای که بر عمل زناشویی توانا شود.^۲ در لغتنامه دهخدا بلوغ در معانی رسیدن، نزدیک شدن به آن، مرد شدن و زن شدن به کار رفته است.^۳ در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به مسأله بلوغ اشاره کرده است. در هیچ کدام از این آیات، زمان معینی به عنوان شاخص تمیزدهنده بلوغ عنوان نشده است. شاید بتوان گفت، به این دلیل که مناطق مختلف زمین دارای آب و هوای یکسان نیست و تجربه نشان داده است که در نقاط سردسیر، افراد دیرتر به حد بلوغ می‌رسند و برعکس در مناطق گرمسیر کودکان زودتر بالغ می‌شوند و از آنجایی که اسلام دین جهان‌شمولی است و قواعد و مقررات آن مربوط به همه زمان‌ها و مکان‌هاست. تعریف عملیاتی بلوغ را براساس شاخص‌های جسمانی و جنسی تعیین نموده است به عبارت دیگر بلوغ وابسته به نشانه‌های طبیعی است که در صورت

۱. مهریزی، مهدی، بلوغ دختران، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، مرکز انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۳۵.

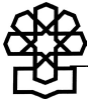
۲. همان، ص ۳۷.

۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، جلد چهارم از چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۴۹۸۹.



حادث شدن آن پدیدار می‌شود. اکثر فقهای امامیه سن بلوغ را برای پسران ۱۵ سال و برای دختران ۹ سال دانسته‌اند این سن را می‌توان همان بلوغ شرعی دانست که بیش‌تر روی علائم و نشانه‌های طبیعی تأکید می‌کند.

اما رشد مرحله‌ای فراتر از بلوغ جسمی است. مراد از مفهوم رشد، مرحله‌ای از عقلانیت است که فرد قادر است علاوه بر تشخیص حسن و قبح امور، نفع و ضرر خویش را چه در عرصه حقوق مدنی و چه در عرصه حقوق سیاسی و اجتماعی تمیز دهد.^۱ در منابع فقهی کسی که به این میزان از رشد دست یابد رشید گفته می‌شود. طبق قانون مدنی ایران رشید فردی است که از اهلیت استیفا برخوردار باشد به این معنا که توانایی قانونی اعمال و اجرای حق خود را داراست. برخی از فقها این مرحله را مرحله‌ای می‌دانند که فرد حق تصرف در امور مالی خود را پیدا می‌کند و شروع آن، نقطه پایان حَجَر تلقی می‌شود. در قرآن سن خاصی برای رشد تعیین نشده و تشخیص آن به متخصص واگذار شده است. قوانین مدنی، حقوقدانان و برخی دیگر از فقها معتقدند معمولاً سن ۱۸ سال شاخص رشد عقلی در انسان است. این مرحله را می‌توان مترادف با بلوغ اشد دانست که درک خیر و شر، مصالح و مفاسد و حسن و قبح اجتماعی حاصل می‌شود. علامه طباطبایی آغاز بلوغ اشد را از سال هجدهم زندگی می‌داند که در آن، عقل آدمی پخته می‌شود. هر چند مرحله رشد نسبت به بلوغ جسمی، بلوغ اشد محسوب می‌گردد، لکن مفهوم رشد نیز مراحل و سلسله مراتبی را در برمی‌گیرد. یکی از مراحل رشد را می‌توان رشد اشد نیز نامید. رشد اشد را شاید به توان رسیدن به سنی دانست که برای نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی،



ریاست جمهوری و دیگر انتخابات شرط لازم دانسته شده است.

به هر حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که بلوغ مرحله‌ای از رسیدن به تکامل جسمی و فیزیولوژیکی است که ناظر بر وجوب تکالیف شرعی در فرد است در صورتی که رشد مرحله‌ای از تکامل عقلی است که فرد آمادگی پذیرش مسئولیت‌ها و مشارکت در امور اجتماعی را پیدا می‌کند.

مبانی فقهی رشد

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که موضوع رشد را مورد توجه و تأکید قرار داده است. در این آیات رشد مرحله‌ای فراتر از بلوغ جسمی دانسته شده است. براساس این آیات کسانی که پس از سن بلوغ، رشد عقلی کافی را به‌دست نیاورده باشند از تصرف در مال خود منع شده‌اند. پاره‌ای از این آیات به شرح ذیل است:

۱. «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (سوره نساء، آیه ۶) یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به ازدواج گرایش پیدا کردند، اگر آنان را به درک مصالح زندگانی خود دانا (رشید) یافتید اموالشان را به آنان بدهید.

۲. «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ حَكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (سوره یوسف، آیه ۲۲) چون (یوسف) به رشد رسید او را حکم‌فرمایی و دانش بخشیدیم و چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

۳. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُم مِّنْكُمْ» (سوره نساء آیه ۵) اموالتان را به دست سفیهان



(افراد غیررشید) ندهید.

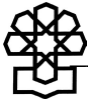
۴. «ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشدّه...» به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به بهترین وجهی که به صلاح او باشد تا به حد رشد (بلوغ جسمی و رشد عقلی) برسد (سوره انعام، آیه ۱۵۲).

مفسران قرآن کریم در تعریف بلوغ اشد اختلاف نظر دارند. برخی آن را کمال عقل؛ برخی رسیدن به سی سال و عده‌ای دیگر رسیدن به سن سی‌وسه سال دانسته‌اند. مرحوم علامه طباطبائی این اصطلاح را در هشت آیه به معنی استحکام قوای بدنی و پایان دوره کودکی که غالباً ۱۸ سالگی است تعبیر کرده‌اند.^۱

مفهوم و شاخص سن رشد

رشد تابع متغیرهای جسمی، روحی، اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و حتی تعلیم و تربیت اشخاص است، از آنجایی که این متغیرهای مستقل به نسبت افراد و فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌باشد، اسلام تعیین و تشخیص رشد را به عهده حاکم یا قاضی سپرده است. هر چند رشد دارای سطوح مختلفی بوده که نشانه‌ها و دلالت‌های متعددی را می‌توان در تمیز آن به کار بست، مع‌الوصف تنها نشانه معتبر آن شاخص سنی است که از روایی و پایداری لازم برخوردار می‌باشد. برای تعیین این شاخص، از اصطلاح فقهی و حقوقی حَجْر و سَفَهُ و نیز از متون حقوقی می‌توان بهره جست. در اصطلاح حقوقی حَجْر به معنی عدم اهلیت استیفاست و می‌توانیم در تعریف آن بگوییم

۱. المیزان، جلد ۱۱، ص ۱۱۸ و جلد ۱۶، ص ۱۱ و جلد ۳، ص ۹۱ و جلد ۷، ص ۳۷۶.



«حجرت عبارت است از منع شخص به حکم قانون از اینکه بتواند امور خود را به‌طور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند و شخصاً اعمال حقوقی انجام دهد ... بعضی از فقها حَجْر را منحصر به امور مالی دانسته‌اند .. و برخی حَجْر را شامل امور مالی و غیرمالی می‌دانند. علامه حلی در تذکره می‌فرماید: صغیر اعم از ممیز یا غیرممیز به موجب نص و اجماع در جمیع تصرفات خود بجز آنچه استثنا شده است مانند عبادات و اسلام ... ممنوع است.^۱

حَجْر در فقه امامیه به اسباب شش‌گانه و در قانون مدنی ایران (ماده ۱۲۰۷) به اسباب سه‌گانه محدود گردیده است. چه در مفهوم موسع و چه در مفهوم مضیق که اولی در فقه و دومی در قانون ایران نمود یافته، سفیه یا فرد غیررشید جزء محجورین برشمرده شده است. در فقه و حقوق مدنی سفیه به کسی گویند که عادت او اسراف و تبذیر در خرج است و تصرفات مالی او عاقلانه نیست. صاحب شرایع می‌گوید «سفیه کسی است که اموال خود را در غیر اغراض صحیح (راه‌های عقلایی) صرف می‌کند و ملکه یا صفت یا حالتی در او وجود ندارد که موجب حفظ و نگهداری اموالش شده و مانع از صرف آن‌ها در راه‌های غیرعقلانی گردد». بنابراین کسی که اموال خود را به‌طور متعارف و به شیوه عقلا مصرف نمی‌کند و در معاملاتش به سود و زیان و نیرنگ و فریب توجه ندارد و اموال خود را در راه‌های ناشایسته صرف می‌کند سفیه یا غیررشید نامیده می‌شود.^۲

به عبارت دیگر سن رشد مبنای تمیز فرد رشید از غیر رشید (سفیه) است.

۱. صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.

صص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۲. همان، ص ۲۳۹.



ابوحنیفه سن ۲۵ سال را سنی می‌داند که فرد به رشد کافی رسیده و در تسلیم مال به او نباید تأخیر کرد.

برخی از قوانین جدید سن رشد را ۱۹ سال و بعضی دیگر ۲۱ سال تعیین کرده‌اند. مصر، سوریه، عراق، فرانسه، انگلیس، اسکاتلند، کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع اتحاد جماهیر شوروی سابق از جمله کشورهایی هستند که ۱۸ سالگی را به عنوان سن رشد پذیرفته‌اند حتی قانون مدنی ایران (ماده ۱۲۰۹) هم افراد زیر ۱۸ سال را غیر رشید دانسته است.

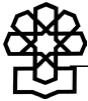
البته این ماده ابتدا به موجب قانون مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ و سپس به موجب اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ حذف گردید. به هر حال اگر چه در حقوق کنونی ایران سن خاصی برای رشد تعیین نشده است، لکن به استناد قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ می‌توان سن ۱۸ سال را اماره رشد و خروج از حجر دانست.^۱

اظهار نظر کارشناسی

صرف نظر از عدم همخوانی دلایل توجیهی با موضوع لایحه اصلاحی (ماده ۱۳۰) آیین‌نامه داخل مجلس) اصلاح عبارت «هجده سال تمام» به «پانزده سال تمام» از دو منظر قابل نقد و بررسی است:

۱. از جهت مبنا: در این رویکرد به نظر می‌رسد اصلاحیه پیشنهادی معطوف به دلایل فقهی و شرعی باشد. تعیین سن ۱۵ سال تمام قمری برای حد بلوغ شاخصی

۱ همان، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.



است که از سوی فقهای امامیه در نظر گرفته شده است تا براساس آن وجوب تکالیف شرعی بر افراد احراز گردد؛ به این فرض دو ایراد وارد است:

نخست اینکه اگر بلوغ جسمی و تکالیف شرعی طرف توجه قرار گیرد لازم می‌نماید تا به تفاوت جنسیتی توجه شود. زیرا همان‌گونه که می‌دانیم حد بلوغ برای دختران ۹ سال تمام قمری است. بنابراین ضرورت داشت که سن رأی دهندگان بر همین اساس تعیین می‌شد.

دوم اینکه، نصوص شرعی (قرآن، احادیث و روایات) میان بلوغ و رشد تفاوت قائل شده‌اند. بلوغ جنبه جسمی دارد و با نشانه‌های فیزیکی مشخص می‌شود. از آنجایی که این نشانه‌ها وابسته به متغیرهای زمان و مکان هستند. این نصوص، سن خاصی را برای این مفهوم پیش‌بینی نکرده‌اند تنها در احادیث و روایات مربوط به فقهای امامیه است که سن ۱۵ و ۹ سال به ترتیب برای پسران و دختران به عنوان سن بلوغ جسمی و وجوب فرایض دینی تعیین گردیده است. اما در مورد رشد که مفهومی مربوط به فکر و عقل است نه در قرآن و نه از سوی فقهای امامیه سن خاصی تعیین نشده است. از متون فقهی استنباط می‌شود که برای رشد دو مفهوم حداقلی و حداکثری را می‌توان فرض کرد رشد حداقلی را می‌توان لازمه استیفای حقوق مالی دانست. این مرحله از رشد شرط خروج از سفه یا حجر است. امروزه قوانین حقوقی بسیاری از کشورهای جهان و نیز قانون مدنی ایران تا قبل از سال ۱۳۶۱ سن ۱۸ سال را مبنای اهلیت استیفا، خاصه، (اهلیت استیفای مالی) شناخته است. اما رشد حداکثری که از آن به رشد اشد تعبیر می‌شود رشدی است که می‌توان گفت از ۲۵ سالگی شروع می‌گردد. بدین ترتیب اگر شرکت در انتخابات را تعیین سرنوشت

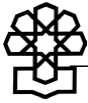


سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی افراد در سطوح مختلف بدانیم در این صورت اهمیت و حساسیت آن به مراتب مهم‌تر از خرید و فروش یک کالا است که قانون‌گذار شرط خروج از حجر (سن ۱۸ سالگی) را برای آن پیش‌بینی نموده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه شود مسأله تفکیک «موضوع» مسأله شرعی از «حکم» مسأله شرعی است. آنچه از علم اصول فقه می‌فهمیم وظیفه فقیه و مجتهد در هنگام صدور حکم شرعی (فتوا) تشخیص «حکم» مسأله است نه «موضوع» حکم. تشخیص موضوع حکم بر عهده خود مکلف است - و اگر موضوع تخصصی باشد برعهده متخصص آن موضوع است. در اینجا با توجه به تفکیک مسأله «بلوغ» که امری جسمانی و جنسی است از مسأله «رشد» که امری فکری و عقلی است به هنگام مراجعه به نصوص شرعی درمی‌یابیم که شاخصه‌ها مشخص و معین جسمی و سنی در تعیین بلوغ به صورت شفاف در متون دینی آمده است لکن در مورد رشد که امری عقلی و فکری است که بعد از بلوغ حاصل می‌شود شاخصه‌های دقیق و مشخصی مشاهده نمی‌شود.^۱ لذا در این‌جا برای تشخیص موضوع این حکم باید به متخصصان این موضوع - که علمای علوی تربیتی و روانشناسی هستند - رجوع کنیم. این علما نیز عموماً سن متوسط «رشد» را در افراد حداقل ۱۸ سال ذکر کرده‌اند.

برخی از صاحب‌نظران امور جوانان معتقدند ارتباط جوان و جوانی با مقوله مسئولیت‌پذیری و مشارکت نکته محوری است که همبستگی بسیار بالایی با پدیده اشتغال و ازدواج دارد. پدیده‌ای که براساس آن‌ها دوره‌ای به نام دوره جوانی در جهان معاصر

۱. البته در برخی از روایات اگر از امام صادق (ع) وارد شده ایشان سن ۱۸ سال را سن «رشد» ذکر کرده‌اند لکن این روایات در حدی از تواتر نیست که مبنایی قطعی برای تعیین سن «رشد» از سوی عموم فقهای شیعه قرار گیرد.



رقم خورده است. این دوره براساس تغییرات شدید ساختاری و غیرساختاری تعیین و توجیه می‌شود. کارشناسان در ایران دامنه سنی این دوره را از ۱۵ تا ۲۹ سالگی دانسته و پیشنهاد داده‌اند این دوره به سه گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، ۱۹ تا ۲۴ سال و ۲۵ تا ۲۹ سال تقسیم شود. اولویت‌های برنامه‌ریزی این پیشنهاد برای دوره اول «اوقات فراغت»، «هویت» و آموزش، برای دوره دوم مشارکت اجتماعی، نظام وظیفه، اشتغال و بیکاری و برای دوره سوم نیز اشتغال، ازدواج، مسکن و مهاجرت تعیین شده است.

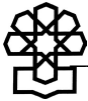
این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که پایان سن ۱۸ سالگی، دوره‌ای است که دولت می‌باید برای مشارکت اجتماعی برنامه‌ریزی نماید. در این دوره است که بحث مشارکت در انتخابات مطرح می‌شود. از نظر حقوقی - مدنی، اشخاص در همین سن ۱۸ سالگی است که کبیر شده و به سن قانونی رسیده‌اند. این سن قانونی در هر کشوری متناسب با زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تا حدی متفاوت است. هر اندازه کشوری توسعه یافته‌تر باشد دامنه سنی مربوط به دوره جوانی کم‌تر است. زیرا دامنه سنی دوره جوانی براساس ویژگی‌ها و چالش‌ها و بحران‌های مختص دوره جوانی از جمله بحران هویت تعیین می‌شود. بنابراین می‌توان گفت دوره جوانی در ایران برطبق سند «تغییر دامنه سنی جوانان» مصوب شورای عالی جوانان مصوب (۱۳۸۱) ۵ سال از کشورهای توسعه‌یافته و استاندارد جهانی که توسط سازمان ملل مشخص گردیده بیش‌تر است. اکنون باید پرسید چگونه می‌توان پذیرفت کشورهایی که فرایند هویت‌یابی جوان با سهولت بیش‌تری در آن‌ها صورت می‌پذیرد و با بحران‌های کم‌تری مواجه‌اند سن ۱۸ سال را برای مشارکت اجتماعی جوان رسمیت بخشیده‌اند؛ در حالی‌که ایران با بحران‌ها و چالش‌های بیش‌تری از جمله بحران



هویت‌یابی بالعکس سن ۱۵ سال را پیشنهاد می‌دهد.

۲. از جهت هدف: اهدافی که در این لایحه مشخص شده عبارتند از: ایجاد فرصت‌های عادلانه و برابر برای قشر جوان.

در این خصوص باید گفت اولاً در تعاریفی که از جوان و دوره جوانی ارائه شده است درصد کمی از جمعیت جوان به سن زیر ۱۸ سال اختصاص دارد. به عبارت دیگر افزایش چشمگیر رشد جمعیت در دهه شصت اکنون به دوره دوم و سوم جوانی رسیده‌اند و بدین ترتیب اکثر قشر جوان در سنی قرار دارند که می‌توانند در امر انتخابات شرکت کنند. ثانیاً ایجاد فرصت‌های برابر و عادلانه بیشتر وابسته به هویت‌یابی، اشتغال و ازدواج است. زیرا در گذشته فرد به محض رسیدن به سن بلوغ و حتی قبل از بلوغ با قبول مسئولیت (و حتی تحمیل مسئولیت) در امور خانواده و سرانجام تشکیل خانواده، وارد دنیای بزرگسالان می‌شد. در این وضعیت نوعی تعادل به نسبت کامل بین اجزا و عناصر اجتماعی وجود داشت، به طوری که عناصر نظام اجتماعی به گونه‌ای هماهنگ و متناسب نیازهای هم‌دیگر را برآورده می‌کردند [به سخن دیگر] فرد قبل از بلوغ با بر عهده گرفتن از مسئولیت‌های جدی زندگی (حتی نان‌آوری و انتظام امور خانواده) تمرین اداره خانواده را آغاز می‌کرد و با رسیدن به سن بلوغ در آن حدی از توانایی اداره خانواده قرار می‌گرفت که عملاً ازدواج و تشکیل خانواده مستقل، تغییری در مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی‌اش ایجاد نمی‌کرد. در چنین فضایی حتی می‌توان از فقدان دوره‌ای به نام جوانی سخن گفت. [اما] در جامعه جدید با تغییرات اساسی در روند اجتماع‌پذیری فرد و نیز ورود نهادهای جدید وضع کاملاً متفاوتی در زندگی افراد به وجود آمده است... [به گونه‌ای که] در این فضا، با



رسیدن فرد به سن بلوغ نه تنها وی وارد دنیای مسئولیت اجتماعی نمی‌شود، بلکه ادامه مدرسه، تحصیلات عالی، خدمت سربازی، مشکلات کاریابی، مشکلات ازدواج و... فاصله‌ای هر چه متزایدتر را بین بلوغ و سن مسئولیت‌پذیری و ازدواج وی ایجاد می‌کند. نتیجه این تحول، گسترش هر چه بیشتر فاصله بین بلوغ، ازدواج و قبول مسئولیت از یک طرف و ناهماهنگی بین توالی این مراحل است.^۱

اکنون چگونه می‌توان در شرایطی که بین مسئولیت‌پذیری، بلوغ و ازدواج جوان نوعی گسستگی ایجاد شده، بدون بسترسازی ازدواج و توزیع عادلانه شغل که به رشد فکری و عقلانی جوان کمک می‌کنند، جوانی که به رشد اجتماعی نرسیده آن را به حوزه انتخابات که عرصه عقلانیت و مشارکت آگاهانه است روانه ساخت و از رهگذر آن تأمین فرصت‌های عادلانه برای قشر جوان را منظور داشت.

علاوه بر هدف پیشگفت یعنی ایجاد فرصت‌های برابر برای قشر جوان اهداف دیگری وجود دارد که در پس این لایحه نهفته است. افزایش مشارکت سیاسی را شاید بتوان یکی از این اهداف دانست که با کاهش سن رأی دهندگان پیوند داده شده است. این هدف فرضی به چند دلیل قابل تشکیک است.

یکم اینکه درصد مشارکت سیاسی به نسبت واجدین شرایط رأی‌دهنده محاسبه می‌شود. لذا کاهش یا افزایش سن رأی‌دهنده از این حیث تأثیری در کمیت مشارکت سیاسی ندارد.

دوم اینکه ممکن است درصد بالایی از افرادی که به سن پانزده سال رسیده به

۱. مشکینی، بهمن، جوانان، سرمایه اجتماعی و اهداف، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز...، جلد پنجم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.



دلایل روانشناختی در انتخابات شرکت کنند، لکن با توجه به میزان تأثیرپذیری این طیف از امواج احساسات ناشی از تبلیغات خصوصاً تبلیغات فضای مجازی که هنوز ساماندهی لازم را نیافته‌اند به انتخاب غیرعقلانی دست یازند و زمام امور حکومتی و عمومی به دست افراد بی تجربه و فاقد صلاحیت‌های لازم سپرده شود. شاهد این مدعا یک پژوهش ملی است که مهم‌ترین چهره‌های مورد علاقه جوانان را بررسی نموده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد آن‌ها از شخصیت‌های مشهور به‌ویژه هنرمندان و هنرپیشه‌ها الگوبرداری می‌کنند. در حالی که گروه‌های دیگر اجتماعی نظیر روحانیون و سیاستمداران به ترتیب با ۶ درصد و ۳ درصد، بسیار کم مورد الگوبرداری جوانان واقع شده‌اند.^۱ با این توصیف می‌توان گفت چه بسا برای پست‌های سیاسی یا تخصصی، افرادی غیرمتخصص به صرف داشتن شهرت هنرمندی یا ورزشکاری در صدر فهرست برندگان انتخاباتی قرار گیرند که این امر خود می‌تواند به یکی از عوامل تشدید کننده سیاست‌زدگی در کشور بیانجامد.

در پایان ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در صورت تصویب این لایحه بر قانون و نظام حقوقی مربوط به سن رشد در ایران نوعی تعارض و چندگانگی حاکم می‌شود. از یک سو جوانان کم‌تر از ۱۸ سال اعم از پسر و دختر فاقد شرایط لازم برای تصرف در حقوق مدنی نظیر اخذ گذرنامه و معاملات بانکی شناخته شده‌اند و از سوی دیگر سن ۱۵ سال برای امر مهمی چون انتخابات رسمیت می‌یابد. بنابراین پیشنهاد این گزارش آن است که قانون موجود یعنی سن ۱۸ سال تمام برای رأی‌دهندگان به قوت خویش باقی بماند.



شماره مسلسل: ۸۴۳۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مروری بر سن رأی‌دهندگان

Report Title: Age of Voter in the Election

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه هنر، رسانه و میراث فرهنگی)

تهیه و تدوین: طهمورت قاسمی

ناظر علمی: محمدرضا مرندی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: نرگس کلاکی

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. بلوغ (Maturity)

۲. رشد (Adolescence)

منابع و مآخذ تهیه گزارش: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۴/۱۲